یادداشت

نقش مهندسان در پیشبرد راه‌حل‌های پایدار برای کاهش مصرف انرژی در صنعت ساختمان

سیدجلال حیدری
مهندس عمران و کارشناس ارشد محیط زیست

صنعت ساختمان یکی از پرمصرف‌ترین صنایع از نظر انرژی در جهان است و تقریبا ۳۰ تا ۴۰ درصد از کل مصرف انرژی جهانی را به خود اختصاص می‌دهد. این مصرف انرژی شامل مراحل مختلف چرخه عمر ساختمان می‌شود؛ از استخراج و تولید مصالح ساختمانی تا ساخت، بهره‌برداری، نگهداری و تخریب ساختمان. در بسیاری از کشورها بخش بهره‌برداری شامل گرمایش، سرمایش، تهویه، روشنایی و استفاده از تجهیزات الکتریکی بزرگ‌ترین سهم را در این مصرف دارد. در ایران نیز علاوه بر مصرف سرانه انرژی بالاتر از استانداردهای جهانی که به دلیل استفاده ناکارآمد از منابع، فناوری‌های قدیمی و دسترسی ارزان به انرژی فسیلی رخ داده است، بخش ساختمان سهمی حدودا ۴۰درصدی از کل مصرف انرژی کشور را به خود اختصاص داده که در قیاس با آمارهای جهانی بالاتر گزارش شده است.

این میزان از مصرف انرژی عمدتا به دلیل بهره‌وری پایین انرژی در ساختمان‌ها، استفاده از مصالح غیرکارا، سیستم‌های قدیمی گرمایش و سرمایش، عایق‌بندی ناکارآمد و طول عمر کوتاه ساختمان‌ها است. عواملی که هریک می‌تواند در صورت استفاده از تکنولوژی‌های روز دنیا، اعمال سیاست‌گذاری‌های مناسب و نظارت اصولی سازمان‌های مربوطه ازجمله سازمان‌های نظام مهندسی استان‌ها روندی کاهشی را در سال‌های آتی طی کند؛ روندی که نه‌تنها موجب کاهش مصرف انرژی در سطح کشور و کمک به حل معضل ناترازی انرژی خواهد بود، بلکه دستاوردهای اقتصادی مهمی برای دولت‌ها، مصرف‌کنندگان و حتی تولیدکنندگان و مهندسان مشغول در این صنعت به همراه خواهد داشت. توجه به این نکته حائزِ اهمیت ویژه‌ای است و میزان هم‌راستاسازی این صنعت با محیط زیست می‌تواند موجبات توسعه پایدار این صنعت را فراهم آورد که نتیجه‌اش پایداری مشاغل و دستاوردهای مالی ذی‌نفعان ازجمله تولیدکنندگان و مهندسان خواهد بود.

آشنایی مهندسان با فناوری‌های روز دنیا

یکی از عوامل کلیدی موفقیت در کاهش مصرف انرژی در صنعت ساختمان، آشنایی مهندسان و طراحان با تکنولوژی‌های پیشرفته و استفاده از ابزارهای نوین است.

فناوری‌هایی مانند سیستم‌های مدیریت هوشمند انرژی، شبیه‌سازی‌های انرژی ساختمان و ابزارهای طراحی دیجیتال، به مهندسان این امکان را می‌دهند تا طرح‌های بهینه و کارآمدتری ارائه دهند. به‌عنوان مثال لحاظ‌کردن انرژی‌های تجدیدپذیر، مانند پنل‌های خورشیدی، در مراحل طراحی ساختمان‌ها می‌تواند نقش مهندسان را در طراحی و اجرای ساختمان‌های کم‌مصرف برجسته‌تر کند. از این نظر آموزش مهندسان ناظر، مجریان و طراحان ساختمان‌ها در سازمان‌های ذی‌ربط ازجمله سازمان نظام مهندسی در کنار سیاست‌گذاری‌های متناسب با اصول توسعه پایدار می‌تواند باعث به‌روزشدن صنعت ساختمان کشور و کاهش میزان مصرف انرژی در آن شود. هرچند فقدان دسترسی گسترده به این تکنولوژی‌ها در ایران، یکی از چالش‌های اصلی پیش‌رو است که به تسهیلگری سیاست‌گذاران نیاز دارد.

نقش حمایت مالی از مهندسان در پیشبرد ساختمان‌های پایدار

افزایش حقوق و مزایای مهندسان طراح، ناظر و مجری نقش بسزایی در ارتقای کیفیت پروژه‌های ساختمانی و کاهش مصرف انرژی دارد. با بهبود شرایط مالی این متخصصان، انگیزه و توانایی آنها برای به‌روز ماندن با دانش و فناوری‌های نوین افزایش می‌یابد و امکان ارائه راه‌حل‌های خلاقانه‌تر و پایدارتر فراهم می‌شود. همچنین، جبران مالی مناسب برای این گروه، موجب افزایش تعهد و دقت در نظارت و اجرای پروژه‌ها می‌شود که به کاهش خطاهای اجرائی و بهینه‌سازی مصرف منابع منجر خواهد شد. حمایت از مهندسان با حقوق عادلانه نه‌تنها موجب افزایش رضایت شغلی آنها می‌شود، بلکه به جذب استعدادهای برتر به این حوزه، کاهش نرخ مهاجرت آنها و تسریع حرکت به سمت ساختمان‌های پایدار و کم‌مصرف کمک می‌کند.

مسیر پیش‌رو برای ایران

مهندسان ایرانی با بهره‌گیری از دانش تخصصی و استفاده از فناوری‌های مدرن می‌توانند راه‌حل‌های پایداری برای کاهش مصرف انرژی در صنعت ساختمان ارائه دهند. با این حال، موفقیت این تلاش‌ها مستلزم سرمایه‌گذاری در آموزش مهندسان، تأمین دسترسی به فناوری‌های پیشرفته و ایجاد سازوکارهای مالی مناسب است. همچنین سیاست‌گذاری‌های هوشمندانه و تعامل نزدیک بین مهندسان، دولت و بخش خصوصی می‌تواند اجرای این راه‌حل‌ها را تسریع کند. به‌این‌ترتیب ایران می‌تواند به سمت کاهش مصرف انرژی و دستیابی به توسعه پایدار در بخش ساختمان حرکت کند که منفعت آن نه‌فقط برای دولت‌ها، بلکه برای ذی‌نفعان این صنعت، مهندسان، جامعه و نسل‌های آتی خواهد بود.

مسئولیت اجتماعی دانشگاه و فعالیت داوطلبانه

شیرین احمدنیا
دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی و عضو هیئت‌مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران

مسئولیت اجتماعی دانشگاهی (The University Social Responsibility (USR) مفهومی است درباره شکل‌گیری فعالیت‌های اجتماعی و داوطلبانه در درون اجتماع دانشگاهی که می‌تواند به شکل گسترده‌ای در حیطه‌های متنوعی مانند مسائل انسانی، زیست‌محیطی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و توسعه اجتماعی به وجود بیاید. اصل بنیادین برای تحقق مسئولیت اجتماعی دانشگاهی، این است که به‌صورت داوطلبانه انجام شود. فعالیت‌های داوطلبانه شامل همه تلاش‌ها و تأمین خدماتی می‌شود که بدون بازپرداخت و هرگونه چشمداشتی به منافع مالی صورت بگیرد. در پاسخ به این پرسش که انگیزه‌ها و بازدارنده‌های معمول برای انجام فعالیت‌های داوطلبانه در جهت پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی کدام‌اند، مطالعات تجربی متنوعی انجام شده است و عوامل مختلف زمینه‌ساز آن، شناسایی شده‌اند. نظریه‌هایی که ارائه شده‌اند، برخاسته از زمینه‌های فرهنگی متفاوت هستند و همه تلاش دارند توضیح بدهند چگونه هر فرد را می‌توان روی نقطه‌ای بر پیوستاری جای داد که در یک انتهایش «خودخواهی» و در انتهای دیگرش «دیگرخواهی» قرار دارد. یا چگونه فعالیت‌های افراد میان منفعت‌طلبی فردی تا پیگیری منافع جمعی در نوسان قرار می‌گیرد.

یکی از مدل‌های نظری که بر مبنای رهیافت کارکردی (functional approach) بنا شده، به کارکردهای شش‌گانه فعالیت داوطلبانه اشاره دارد. این را که چگونه فعالیت داوطلبانه، کارکردهایی در زمینه‌های مختلف دربر دارد، توضیح می‌دهد؛ نظیر اینکه ادراک و مهارت‌های فرد را در زمینه‌های جدیدی ارتقا می‌دهد، مشارکت او را با دوستان و هم‌فکرانش افزایش می‌دهد، همسو با ارزش‌هایی است که فرد به آنها باور عمیقی دارد و چنین فعالیت‌هایی او را همچنین برای مقابله با درگیری‌های درونی و استرس‌هایش یاری می‌دهند. از سوی دیگر، فعالیت‌های داوطلبانه می‌تواند برای فرد در کسب تجربه در زمینه شغلی‌اش یا شبکه‌سازی در راستای فعالیت حرفه‌ای‌اش مفید واقع شود. در نهایت، چنین فعالیت‌هایی می‌تواند اعتلای روحی و روانی و رشد فردی برای افراد به بار بیاورد. انگیزه‌های اصلی که افراد را به سمت فعالیت و ایفای نقش داوطلبانه سوق می‌دهد، عبارت‌اند از پیگیری آرمان‌ها، یاری به دیگران، ادای دین به جامعه، باور به توصیه‌های دینی، به اشتراک گذاشتن مهارت و معلومات اندوخته‌شده، شبکه‌سازی، دستیابی به احساسات مثبت و حس تعلق به جمع و همچنین انگیزه‌های ارتقای شغلی یا تحصیلی نظیر اینکه دانش‌آموختگانی که سابقه فعالیت داوطلبانه در رزومه خود دارند، از شانس بالاتری برای دریافت پذیرش تحصیلی از دانشگاه‌های معتبر جهانی برخوردار می‌شوند که در کنار قابلیت‌های تحصیلی، به روحیه کار جمعی و خدمت به انسان‌های دیگر بها می‌دهند.

در بازگشت به مفهوم ایفای مسئولیت اجتماعی دانشگاهی داوطلبانه، سؤالی که مطرح است، انواع انگیزه‌ها و بازدارنده‌های معمول برای انجام چنین فعالیت‌هایی نزد دانشگاهیان است که در پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی صورت می‌گیرد. اینکه کدام ذهنیت موجب می‌شود برخی دانشگاهیان اعم از دانشجو یا استاد، ساعت‌ها و روزها وقت خود را در فضاهایی همچون انجمن‌های علمی دانشجویی یا انجمن‌های علمی غیردولتی نظیر انجمن جامعه‌شناسی ایران صرف کنند، درحالی‌که اگر این زمان را صرف امور و اولویت‌های دیگری می‌کردند، چه‌بسا می‌توانستند به منافع متنوع مادی یا غیرمادی اعم از ارتقای درآمد و رفاه فردی و همچنین کسب امتیازات دانشگاهی (نظیر ترفیع و ارتقای رتبه علمی) دست یابند.

کنشگران دانشگاهی‌ای که آنها را مشغول به فعالیت‌های داوطلبانه اجتماعی می‌بینیم، معمولا همان‌ها هستند که نام‌شان با نام انجمن‌های علمی دانشجویی یا انجمن‌های علمی جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، جمعیت‌شناسی، مطالعات فرهنگی، ارتباطات، علوم سیاسی و نظایر آن گره خورده یا تداعی می‌شود.

نمونه چنین افرادی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، استاد فقید دکتر محمد عبداللهی عضو هیئت‌علمی دانشگاه علامه طباطبایی بوده است. ایشان از زمره کسانی بود که تلاش زیادی برای رونق‌گرفتن انجمن جامعه‌شناسی ایران که از پرسابقه‌ترین انجمن‌های علمی علوم انسانی در ایران است (تأسیس ۱۳۷۰) متقبل شد و در دوره مدیریتی‌شان، این انجمن علمی غیرانتفاعی از همه نظر متحول و به اعتبار آن افزوده شد. این اعتلای انجمنی، مستلزم آن بود که ایشان و یاران‌شان روزها و ساعت‌های متمادی وقت‌شان را در دفتر انجمن جامعه‌شناسی ایران واقع در محل دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، به تلاش مشغول باشند و هرگز از این صرف وقت و اهتمام دریغ نمی‌کردند.

در میان دانشجویان نیز همواره با چهره‌های شاخصی مواجه هستیم که با وجود تمام کاستی‌ها و فشارهای اقتصادی و سیاسی و محدودیت‌های قابل تصور، حاضر می‌شوند داوطلبانه و مشتاقانه به مسئولیت اجتماعی دانشگاهی خود بپردازند. ایشان نیز برای خدمت به اهداف انجمن علمی دانشجویی و در جهت خدمت به آرمان‌ها و بهبود شرایط آموزشی و پژوهشی دانشجویان پیرامونی خود، از اوقات استراحت خود می‌زنند، از مشغولیت به فعالیت‌های تفریحی و معاشرت‌های متعارف نسل خود می‌کاهند، گاه حتی از دارایی محدود خود خرج می‌کنند، اما در عوض چراغ دفاتر کوچک و ساده انجمن‌های علمی دانشجویی را در دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها روشن نگه می‌دارند. آنها ناگزیرند از همان امکانات معمولا ناچیز بهره ببرند تا نشریه دانشجویی منتشر کنند، کارگاه و سخنرانی ترتیب دهند، از مدرسانی متنوع و گاه از بیرون از فضای دانشگاهی دعوت کنند، حلقه‌های مطالعاتی تشکیل دهند و در برابر همه موانعی که برای پویایی و جست‌وجوگری علمی‌شان قد علم می‌کنند، خستگی‌ناپذیر بایستند و به راه خود ادامه دهند.

در اینکه چنین افرادی با مفهوم فعالیت داوطلبانه و مسئولیت‌پذیری دانشگاهی اجتماعی خود آشنا هستند، جای هیچ شک و تردیدی وجود ندارد، در عین حال، اگر از منظر جامعه به فعالیت‌های کنشگران دانشگاهی مسئولیت‌پذیر نگاه کنیم، متوجه وجود تفاوت‌هایی در نگاه مردم به رشته‌های مختلف علمی می‌شویم. آیا به سادگی می‌توان گفت کار داوطلبانه حرفه‌مندان رشته‌های مختلف یکسان نزد عموم مردم یا حتی سیاست‌گذاران مورد ارزیابی یا شناسایی قرار می‌گیرد؟ آیا می‌توان گفت به فعالیت کنشگر دانشگاهی حوزه علوم اجتماعی همان‌قدر بها داده می‌شود که به فعالیت کنشگر حوزه علوم پزشکی؟ وقتی سخن از پزشکانی به میان می‌آید که داوطلبانه برای خدمت در مناطق محروم اعزام می‌شوند، تحسین همگان برانگیخته می‌شود و چنین عالمانی را نمونه انسان عالم والا و ازخودگذشته می‌پندارند؛ چراکه جان انسان‌هایی را نجات داده‌اند. اما بسیاری غافل از این حقیقت هستند که فعالیت داوطلبانه دانشگاهیان مبتنی بر مسئولیت اجتماعی‌شان در حیطه علوم اجتماعی نیز چنانچه مجال عمل و تحقق بیابد، کمتر از فعالیت پزشکان حائز اهمیت و تعیین‌کننده در نجات جان افراد جامعه نیست. ایشان اتفاقا چنانچه اختیار عملی و امکانات آزادانه‌ای برای فعالیت داشته باشند، چه‌بسا جان افراد را در سطحی وسیع‌تر نجات خواهند داد. علمای اجتماعی که به مسئولیت اجتماعی دانشگاهی خود بها می‌دهند، کسانی هستند که مخاطراتی را که سلامت جامعه را تهدید می‌کند یا مجموعه انسان‌هایی را در مسیر سراشیبی قرار می‌دهد، شناسایی، تحلیل و چاره‌اندیشی می‌کنند و اگر به دستاوردهای ناشی از مسئولیت‌پذیری اجتماعی‌شان بها داده می‌شد، می‌توانستند پیامدهای مثبتی را در سطوح کلان‌تر رقم بزنند و اتفاقا با پیشگیری بهنگام از مخاطراتی همچون ناامیدی اجتماعی، میل به مهاجرت گسترده، گسترش خشونت معطوف به خود و دیگران یا کاهش سرمایه اجتماعی، اقدامات مؤثری در حفظ و ارتقای سلامت جامعه و نسل‌های آتی آن در همه ابعاد جسمانی، روانی و اجتماعی آن صورت دهند.

از مهم‌ترین عرصه‌هایی که دانشگاهیان علوم اجتماعی به تلاش برای تحقق رسالت یا ایفای مسئولیت اجتماعی داوطلبانه خویش اختصاص می‌دهند، فضای مدنی انجمن‌های علمی است.

بااین‌حال، هنوز این نقش و فعالیت حرفه‌ای داوطلبانه جایگاه واقعی خود را در جامعه ما پیدا نکرده یا با اما و اگرهایی همراه است. معمولا وقتی کسی از جمله از میان دانشگاهیان حرفه‌مند، با جامعه‌شناسی مواجه می‌شود که عمرش را در خدمت در نهادهای غیرانتفاعی نظیر انجمن علمی سپری می‌کند، چه تلقی و تصوری از او در ذهنش شکل می‌گیرد؟ کسی که حواسش نیست این کارها اینجا هزینه‌اش برای او بیشتر از منافعش است! این افراد با وجود هزینه‌هایی که متحمل می‌شوند و گاه برچسب‌هایی هم که می‌خورند، اتفاقا خوب می‌دانند در نهادهایی مشغول به فعالیت هستند که در آنها بنا بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی خود، با دستی بازتر و جرئت‌مندی و جسارت فزون‌تر به طرح و بحث و آشکارسازی معضلات و مشکلات اجتماعی روز می‌پردازند. این‌گونه دانشگاهیان و محققان اجتماعی معمولا به سراغ موضوعاتی می‌روند که به دلیل حساسیت‌های فرهنگی و اجتماعی موجود، در چارچوب نهادهای علمی دولتی طرح، مطالعه، پژوهش و پیگیری آنها مقدور نبوده یا تحمل نمی‌شود. اما ایشان معمولا همچنان نقد می‌کنند و آنان را که مسئول وضعیت موجود می‌شناسند، مورد پرسش قرار می‌دهند.

ایشان نیک دریافته‌اند که دانشگاه قرار نیست فقط تولیدکننده فرمول و جدول و توصیف و تبیین باشد. کنشگران دانشگاهی هنگامی که به ایفای مسئولیت دانشگاهی داوطلبانه خود می‌پردازند، از افق دید وسیع‌تر و ظرفیت‌های علمی بالاتری برخوردار می‌شوند که اتفاقا انتظارها از ایشان را برای ایفای نقش‌هایی مؤثرتر در پاسخ به مشکلات و نیازهای حاد جامعه‌شان افزایش می‌دهد. تولید و ترویج علم در فضای انسداد رابطه میان علم و اجرا، میان دانشگاه و مردمی که در میان آنها زیست می‌کنند، چه معنا و چه مزایایی می‌تواند داشته باشد؟ کنشگران دانشگاهی مسئولیت‌پذیر که کار داوطلبانه در انواع نهادهای مردم‌نهاد علمی و غیرانتفاعی انجام می‌دهند، با مردم و در میان مردم‌اند؛ چراکه همان مردم‌اند که مخاطبان اصلی ایشان هستند. دانش‌آموختگان علوم اجتماعی با نام مایکل بوروویِ، استاد جامعه‌شناسی انگلیسی‌الاصل دانشگاه‌های آمریکا آشنا هستند. هنگامی که ایشان ریاست انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی (ISA) را بر عهده داشت، در میانه دهه ۸۰ شمسی به دعوت انجمن جامعه‌شناسی ایران سفری به این کشور داشت و سخنرانی‌هایی در دانشگاه علامه طباطبایی و سایر دانشگاه‌های ایران ایراد کرد. دسته‌بندی معروف او از انواع جامعه‌شناسان از شهرت و اعتباری برخوردار است و با استقبال جامعه دانشگاهی ایران روبه‌رو شد. دیدگاه ایشان در مقاله‌ای تحت عنوان «درباره جامعه‌شناسی مردم‌مدار» در نشریه علمی انجمن جامعه‌شناسی ایران در سال ۱۳۸۷ منتشر شد که طی آن به تشریح ضرورت‌مندی تحقق مسئولیت جامعه‌شناسان مردم‌دار یا به عبارتی دیگر جامعه‌شناس حوزه عمومی پرداخته است. در دسته‌بندی او، جامعه‌شناس مردم‌مدار در کنار جامعه‌شناسان حرفه‌مدار، سیاست‌گذار و انتقادی، شناسایی می‌شود؛ هرچند هر جامعه‌شناسی می‌تواند در عین حال در هرکدام از این نقش‌ها حضور داشته باشد. ایشان نقدی را بر جامعه‌شناسی غربی وارد کرده مبنی بر اینکه از اهداف اولیه خود جدا افتاده و ضرورت بازگشت به روح جامعه‌شناسی را یادآور شده است. او ضمن احتراز از درافتادن به دامان پوپولیسم، هدف بازگرداندن جامعه‌شناسی به ایده مردم را برجسته کرده است و اینکه آکادمی علوم اجتماعی باید در خدمت مردم عمل کند. نقدش ازجمله به زیادی حرفه‌ای‌شدن، زیادی تخصصی‌شدن و زیادی برج‌عاج‌نشین‌شدن جامعه‌شناسان است. جامعه‌شناس نباید صرفا در خدمت دانشگاه و دولت باشد. برای جامعه‌شناس مردم‌مدار، مردم اصل است، نه دولت و او ضمن ایفای نقش و مسئولیت دانشگاهی و علمی باید نسبت به مسائل روز مردم حساس و آگاه باشد، مردم را مخاطب قرار دهد و با زبان مردم حرف بزند. جامعه‌شناس مردم‌مدار گاه برای دفاع از مردم، ناگزیر است با دولت نیز درافتد.

هدفش، هم‌سازی با وضع موجود نیست؛ گاه مداخله‌گری می‌کند، گاه مشارکت و گاه صدایش را برای بیدارکردن خفتگان بلند می‌کند. او در ارتباطی ارگانیک با مردم قرار دارد و حضورش در جامعه پررنگ است. کلاس درسش را به میدان مردمی و جنبش روز وصل می‌کند و در تعاملی مؤثر و دست در دست مردم، همواره در صحنه حاضر است. عرصه‌هایی که چنین جامعه‌شناسانی به فعالیت می‌پردازند، رسانه‌های جمعی و انجمن‌های علمی و سازمان‌های مردم‌نهاد نیز هستند که برای ایشان اختیار عمل و آزادی فعالیت بیشتری برای ایفای مسئولیت اجتماعی دانشگاهی داوطلبانه‌شان می‌آفرینند.

گزارش خبری

آغاز به کار پایانه جدید شرق با پیامک

خبر آنلاین: روز چهارشنبه ۱۴ آذرماه سازمان مدیریت حمل‌ونقل بار و پایانه‌های مسافری شهر تهران با صدور اطلاعیه‌ای از پایان خدمت‌رسانی در پایانه مسافری شرق قدیم واقع در سه‌راه تهرانپارس خبر داد. این در حالی است که در پی انتقال پایانه شرق به پایانه جدید، نارضایتی و نگرانی‌هایی برای مسافران و راننده‌ها به وجود آمده است. سحر احمدی، دانشجو و ساکن ساری است. چهارشنبه در مراجعه به ترمینال شرق متوجه این تغییرات شده است. او می‌گوید: «مکان جدید بسیار دورتر از مکان‌های شهری است و دسترسی به آن بسیار سخت است. راننده‌ها می‌گویند شهرداری ۵۰ ون برای این منظور در نظر گرفته است اما هم تعداد ون‌ها کم است و هم این مسئله‌ها که مسافرها به همراه چمدان و ساک و بار هستند، در انتخاب نوع وسیله حمل‌ونقل، در نظر گرفته نشده است. به گفته این دانشجو مکان جدید ترمینال شرق نقطه‌ای خلوت و تقریبا پرت است و دسترسی به حمل‌ونقل عمومی هم ندارد. اگر زمانی ساعت پنج صبح به مقصد برسیم، چه امنیتی داریم و جز استفاده از تاکسی‌های اینترنتی چه انتخابی خواهیم داشت؟ یکی از راننده‌های سواری تهران-قائمشهر هم دراین‌باره به خبرآنلاین می‌گوید: نگرانی بزرگ ما ازدست‌دادن مسافر در یکی، دو ماه ابتدایی اجرای این طرح است. او معتقد است که چون در فصلی که مسافر کم است، این طرح را اجرا کردند، قطعا در یکی، دو ماه ابتدایی اجرای طرح با ریزش مسافر روبه‌رو خواهند شد و بهتر بود که طرح را در اسفندماه یا تابستان اجرا می‌کردند.

مسافران نیز نگرانی‌هایی دارند. یکی از مسافران شمال دراین‌باره می‌گوید: اطلاع‌رسانی درباره محل جدید نشده است. من از زبان راننده شنیده‌ام و یک پیامک هم برایم آمده با این مضمون: «چشم تهران روشن!». این مسافر خط قائمشهر ادامه می‌دهد: آدرس پردیس جدید مسافری کجاست؟ چگونه قرار است تردد مردم به نقاط کانونی شهر انجام شود؟ راه‌های دسترسی چگونه است؟ یک نقطه دورافتاده که باز هم باید مسافت دیگری را که کم هم نیست، تا رسیدن به اولین راه‌های حمل‌ونقلی در تهران طی کنیم. او اضافه می‌کند: «می‌گویند ۵۰ ون اختصاص داده‌ایم تا زمانی که مترو به اینجا برسد... . اول مترو را می‌رساندید، بعد پایانه را افتتاح می‌کردید. رفاه حال مسافرها پس چه زمانی قرار است رعایت شود؟

قرار بود انتقال سفرها به پایانه جدید شرق تدریجی انجام شود. اوایل آذرماه محمد آقامیری، عضو کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران، اعلام کرده بود: در ماه‌های پیش‌رو شرکت‌های تعاونی اتوبوس‌رانی در پایانه شرق جدید مستقر خواهند شد و سفرهای نوروزی از این پایانه انجام می‌شود. به گفته رئیس کمیته عمران شورای شهر تهران مقدمات کار برای ساخت ایستگاه متروی پایانه شرق انجام شده، اما اجرا و نهایی‌شدن آن قطعا زمان‌بر خواهد بود. به محض اینکه شرکت‌ها مستقر و مسافرگیری آغاز شود، تغییر خطوط اتوبوس‌های داخلی انجام خواهد شد و علاوه بر اتوبوس، تاکسی‌ها نیز در پایانه مستقر می‌شوند.

اما به نظر می‌رسد با پیامک چشم تهرانی‌ها روشن شد، ناگهانی پایان کار ترمینال شرق قدیم اعلام و سفرهای این پایانه به پردیس جدید منتقل شده، درحالی‌که هم مسافران از این تغییر ناگهانی ناراضی‌اند و هم رانندگان نگران کاهش مسافران خود هستند.

آگهی مزایده خودرو

احتراماً شورای بخش خاوران در نظر دارد تعداد ۳ دستگاه خودرو با مشخصات ذیل را از طریق مزایده عمومی به فروش رساند.

ردیف	نام خودرو	رنگ	مدل	وضعیت	قیمت پایه (ریال)
۱	پژو ۴۰۵ GLX	نقره ای متالیک	۱۳۹۲	مستعمل	۲،۲۰۰،۰۰۰،۰۰۰
۲	مزدا دو کابین	نقره ای متالیک	۱۳۹۲	مستعمل	۲،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰
۳	وانت کاپرا۲ دو کابین	سفید روغنی	۱۳۹۶	مستعمل	۷،۲۰۰،۰۰۰،۰۰۰

زمان بازدید: ۱۰ روز از تاریخ ۱۴۰۳/۰۹/۱۷ تا ۱۴۰۳/۰۹/۲۷ از ساعت ۹ الی ۱۳
آدرس محل بازدید: کیلومتر ۲۰ جاده امام رضا (ع)، قیامدشت، خیابان آزادی، بلوار امام خمینی (ره) (۴۰ متری)، پلاک ۷۷

به حساب بانک کشاورزی به شماره ۱۰۱۲۹۹۲۳۵۷ به نام شورای بخش خاوران واریز و همراه پیشنهاد قیمت ارائه نمایند.

* کلیه شرکت کنندگان می توانند در تاریخ های مذکور بعد از بازدید خودروها، پاکت پیشنهادی خود را به صورت سربسته تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۲۷ به دفتر شورای بخش خاوران به آدرس فوق تحویل نمایند.
* این شورا در رد یا پذیرش پیشنهادها مختار بوده و هزینه آگهی بعهده برنده مزایده می باشد.
* به پیشنهادهای مبهم، مخدوش، فاقد سپرده و یا پس از موعد مقرر ترتیب اثر داده نخواهد شد.
* چنانچه برنده مزایده ظرف مهلت مقرر اعلامی کل مبلغ پیشنهادی را به حساب این شورا واریز ننماید یا از انجام معامله خودداری نماید بعنوان انصراف تلقی و سپرده وی به نفع این شورا ضبط و معامله با نفرات بعدی صورت خواهد گرفت.
* متقاضیان شرکت در مزایده می بایست ۵٪ مبلغ پایه را بعنوان ضمانت شرکت در مزایده

«««شماره تلفن جهت هماهنگی: ۰۲۱۳۳۵۸۳۰۴۲ »»»

تجدید آگهی مناقصه عمومی تک مرحله ای (نوبت دوم)

دهیاری چهلقز(کارفرما/مناقصه گزار) در نظر دارد جمع آوری وحمل زباله ورفت وروب روستای چهلقز را به پیمانکاران دارای صلاحیت و دارا بودن ظرفیت آماده به کار به شماره فراخوان ۲۰۰۳۰۹۰۸۲۲۰۰۰۰۵ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت با در نظر گرفتن مراتب ذیل واگذار نماید.

۱ – **موضوع مناقصه:** پروژه رفت و روب ،جمع آوری و حمل پسماند و نخاله های ساختمانی واقع در تهران، بزرگراه امام رضا(ع)، قیامدشت، روستای چهلقز
۲ – **شماره مناقصه:** ۱۴۰۳/۱۲۴۷
۳ – **نوع مناقصه:** عمومی تک مرحله ای با ارزیابی کیفی
۴ – **مدت انجام کار:** ۱۲ ماه از زمان انعقاد قرارداد
۵ – **تضمین شرکت در مناقصه:** به مبلغ ۸۵۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال(هشتصد و پنجاه میلیون) ریال به ۲ صورت:
الف) ضمانت نامه بانکی معتبر با عنوان موضوع مناقصه به نفع کارفرما با اعتبار ۲ ماه و یا
ب)رسید واریز نقدی به شماره حساب ۰۱۰۶۰۸۵۳۹۳۰۰۸ و یا شماره شبا ۰۹۰۱۷۰۰۰۰۰۰۰۱۰۶۰۸۵۳۹۳۰۰۸ نزد بانک ملی به نام دهیاری چهلقز می بایست ارائه گردد.
۶ – **ضمانت حسن انجام تعهدات:** برنده مناقصه موظف به ارائه ضمانتنامه /سپرده حسن انجام تعهدات به مبلغ ۱۰ % قرارداد می باشد.
۷ – **پیش پرداخت :** ندارد
۸ – **محل تامین اعتبار:** اعتبارات داخلی دهیاری
۹ – **تاریخ انتشار فراخوان:** ۱۴۰۳/۰۹/۱۰
۱۰ – **مهلت دریافت اسناد فراخوان:** ۱۴۰۳/۰۹/۲۴ ساعت ۱۷
۱۱ – **آخرین مهلت تسلیم پیشنهادها:** آخرین مهلت تسلیم (ارائه) پیشنهادها در سامانه و ارائه اصل ضمانتنامه شرکت در مناقصه به دهیاری چهلقز پایان وقت اداری روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۰۴ می باشد.
۱۲ – **زمان گشایش پیشنهادها:** ساعت ۱۰ صبح روزپنجشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۰۶ در محل دفتر دهیاری چهلقز
۱۳ – **محل ارائه اصل ضمانتنامه شرکت در مناقصه و تلفن تماس جهت پاسخگویی به سوالات:** تهران، بزرگراه امام رضا(ع) (شرق به غرب)، بعد از خروجی قیامدشت، جاده چهلقز، ابتدای بلوار شهدا، دهیاری چهلقز، تلفن ۰۲۱۳۶۸۵۹۳۰۰
* کلیه فرآیند انجام مناقصه(دریافت اسناد مناقصه و.....)از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس زیر انجام می پذیرد.

www.setadiran.ir